

رؤیاهای تصویری نگاهی به یک خط نوشته قاجاری

محسن احتشامی

چند سال پیش در منزل یکی از نزدیکان، روی دیوار، قاب کهنه‌ای نظرم را جلب کرد. اثری خوشنویسی با نوشته «کل فلک فی یسبحون» بود، قاب را پائین آوردم، بوی کهنگی‌اش را احساس و از نزدیک نگاهش کردم. کاغذ ضخیمی بود که فرسوده شده و جای چسب‌های شیشه‌ای، سال‌های اخیر ضایعش کرده بود. با خواهش این اثر هنری را گرفتم. هر چند یک بار نگاهش می‌کنم و دریغم آمد درباره‌اش نویسم و معرفی‌اش نکنم. کاغذ این اثر، ورقه مقوایی و نخودی رنگ با گرمایی حدود ۲۵۰-۳۰۰ گرم، طول و عرض آن هم ۲۰×۳۰ سانتیمتر است. در روی اصلی اثر با خط نستعلیق و در متن کاغذ نوشته: «البدغلامحسین قاجار سنه ۱۳۰۱» آمده است (۱۳۰۱ قمری، ۱۲۶۲ شمسی و ۱۸۸۳ میلادی). غلامحسین میرزا ملقب به شهاب السلطان پسر خانلر میرزا احتشام الدوله و نوهی عباس میرزای ولیعهد است. او همچنین پدر خانلر میرزا معروف به شمس‌الممالک می‌باشد که پدربزرگ نگارنده است. تا جایی که مطلعم هیچ‌کدام از افرادی که نام بردیم، دستی در این‌گونه هنرها نداشتند. پس می‌بایست غلامحسین قاجار سفارش دهنده یا صاحب این اثر باشد که نام خود را روی آن نوشته است. این مرقع با خط نستعلیق و شیوه‌گلزار نوشته شده است. خط گلزار روشی است که خوشنویس خط مورد نظر را قبل از آنکه خوشنویسی کند، طراحی و ترکیب کرده و با توجه به روش‌های مرسوم و صنعتی که فرا گرفته است، به نقاشی و کشیدن گل و مرغ‌ها و اشکال دیگر در سواد (سیاهی) خط می‌پردازد. بیشتر آثار به جا مانده از این سبک خوشنویسی دوره قاجار، به صورت رنگی و با پرداخت‌های ظریف انجام شده است؛ به ظاهر این اثر هم به دلیل سیاه و سفید بودن می‌بایست پیش‌طرحی برای رنگ‌گذاری بعدی باشد؛ اما نگاهی با چشم مسلح نشان می‌دهد چه‌گونه طراح با ضرب نقطه‌های بسیار ریز، تیره-روشنی لازم را به وجود آورده و به وسیله



تکرار نقطه‌ها انواع خط‌های سیاه را ایجاد کرده؛ و در ادامه با چه ظرافت و تبحری خطوط و نقش‌های اصلی را به صورت منفی (نگاتیو) نشان داده است؛ که نهایی بودن طرح را یادآوری می‌کند. تمام سطح مشحون از گل و بوته‌ها، پرنده‌ها، جانوران و شمایل‌های انسانی است، که می‌تواند ترجمه تصویری و بیانگر معنای عبارت (همه جهان دعا گوی تو[خدا] هستند) باشد که به زعم طراح با این عوامل طبیعی (شمایلی) آن را نشان داده است. زنی که با شلیته (لباس) قاجاری مشغول شیردوشی از بز است، با ردیف پرنده‌هایی که قسمت «ل» را پوشانده‌اند؛ پرنده‌ای که زیر پای بز افتاده است و بیننده را به فکر وا می‌دارد

آیا هدف طراح تنها پر کردن زمینه است؟ و پرنده بی دلیل بال‌هایش را زیر پای بز در حال دوشیدن باز کرده یا منظور دیگری است؟ پرنده و چرنده‌ای که در نقطه «ف» فلک دیده می‌شود. تصویر نقاب‌دار امامی که با شمشیر دولبه در حرف «ف» فلک گنجانده شده است. پرنده‌های جا داده شده در نقطه‌های پائینی اثر، که فرار، حرکت و نزاع بین حیوانات را نیز در جای جای کار نشان می‌دهد، همگی نمایشگر شور و حرکت خیال پردازانه و رویایی زندگی از یک سو و تأثیر آموزه‌ها، روابط و واقعیت‌های زندگی و زمانه از سوی دیگر است؛ کلیت کار نیز تحت تأثیر مد زمانه این سبک از هنر خوشنویسی است. دو قسمت از فضاهای داخلی کار به وسیله قابی تزئینی و کتیبه مانند سفید مانده است. شاید قرار بوده چیزهای دیگری در آن نوشته شود. همان طور که در ابتدا و انتهای کار دو کتیبه این چنین آمده است. عبارت: «اللهم اغفر لی و ارحمینی و عافینی» که در کلمه «کل» آمده است، نشانگر تمنایی است که هنرمند یا سفارش دهنده یا به عبارتی خواننده اثر از آن دریافت می‌کند و آن عاقبت به خیری است. در انتهای کار و در پهنای نزولی حرف «ن» نیز امضای هنرمند مشهود است. عنوان این کتیبه در حد تشخیص نگارنده عبارت است از «حرره عباس ابن قادر صبوری» که پیش فرض ما مبنی بر اینکه غلامحسین قاجار صاحب این اثر بوده است را تقویت می‌کند. در مجموع این مرقع علاوه بر یک اثر خوشنویسی چشم‌نواز که با یکی از روش‌های مرسوم زمانه نوشته شده، بیشتر از هر چیز بیانگر نگاه تصویرسازانه و موضوعی به کار است که به زیبایی و منتهای دقت و ظرافت به انجام رسیده است.

اما پشت صفحه حکایتی دیگر است. مجلس حضرت سلیمان با تخت روانی بر شانه‌های دو فرشته در پیش و دو دیو در پس است. پرنده‌ها و حیوانات، آدم‌ها و اجنه‌ها دور او را گرفته‌اند. سیمرغ با طراحی نگارگرایانه و هنرمندانه‌اش به موازات قوس هاله نور دور سر حضرت با تمنایی عارفانه به گفتگو با مرغ



دیگری برخاسته است. اگر چه این کار به هر دلیل نامعلوم نیمه تمام مانده است و تنها سه صورت آن پرداخت شده، اما به خوبی گویای طرز طراحی و نگاه طراح به موضوع مورد علاقه خود است. مردی با دستاری کلاه مانند و مرد دیگری با ریش‌های بلند، نگاه‌های تیز خود را به سوی حضرت سلیمان دارند. در ادامه چشم و دست مردهای کناری، هددهی بر دسته تخت نشسته است که همگی هم راستای دید و چشم‌های زیر نقاب هستند. طراح اگر چه موضوع و داستانی بسیار قدیمی را دست مایه کار خود قرار داده، اما تلقی و شیوه طراحی‌اش مربوط به زمان خود می‌باشد. دیوها و اجنه‌هایی که توصیفش در روایات، داستان‌ها و اعتقادات مردمی دوره قاجاریه به اسم عجایب المخلوقات و نام‌های دیگر آمده‌اند؛ به شکل تصویر سازی‌های چاپ سنگی این دوره طراحی شده و تفسیر هنرمند را به آن شکل عرضه دارند. فرشته‌های جلو زمینه، صورت و تاج عاریت گرفته شده از فلسفه پادشاهی دوره قاجار را به خوبی نمایش می‌دهد. لباس‌های بلند آن‌ها نیز متأثر از نقاشی‌های دوران قاجار به بعد می‌باشد، حتی ترسیم شمشیر دو لبه (ذوالفقار) حضرت علی در دستان و روی پای سلیمان و بستن شال به تعبیری سبز دور کمر او، گرت‌برداری مستقیمی از طراحی‌ها و نقاشی‌هایی است که در انواع هنرهای تصویری دوره قاجار مانند آب رنگ‌ها، نقاشی‌های رنگ و روغنی، نقاشی‌های پشت شیشه و بقیه آثاری که با موضوع شمایل نگاری ائمه کار شده، و به وفور دیده شده است. هم‌چنان که گفته شد، متأسفانه کار ناتمام مانده و انتظار بیننده در به ثمر رسیدن این ترکیب‌بندی و لذت دیدار سیاه سفیدی‌ها و اجراهای ظریف و هنرمندانه ناکام مانده است. شیوه طراحی و پشت و رو بودن و اجرای دو اثر در یک ورق کاغذ گمان ما را بر اینکه طراح هر دو صفحه یک نفر و در یک زمان بوده است را تقویت می‌کند و به نظر نمی‌رسد طراح در زمان دیگری به عنوان کاغذ سفید از پشت صفحه اصلی استفاده کرده باشد. حدس و گمان‌های ما ریشه در نظری دارد که به علت کمبود کاغذ و در دسترس نبودن آن، گاهی از این موارد به خصوص در خوشنویسی و خطاطی انجام شده است. با این اوصاف، این اثر هنری با نگاه ما و این سیاه مشق‌ها به زعم طراح آن، به هر دلیل و با هر ذهنیتی که کار شده؛ هنرمندانه، پر احساس و سرشار از قدرت ذهن و دست است.



